

بررسی و شناخت چرایی گرایش به زیست اخلاقی به عنوان یکی از اساسی ترین نیازهای انسان با استناد به نهج البلاغه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۰۹)

رضا لطفی

چکیده

هدف: هدف این پژوهش با انگیزه دستیابی به مبانی ارزش شناختی اخلاق از منظر نهج البلاغه برای زیست اخلاقی است تا با شناخت آن، بتوان معیارها و ضوابط اخلاقی را براساس آموزه های نهج البلاغه استخراج کرد، و از آن نهایت استفاده را جست. هدف بنیادین اسلام و دغدغه زیست اخلاقی، رشد و تعالی بشر است. اخلاق و تربیت بشر در تمام ساحت های وجودی؛ بسیار زیبا و ستودنی می باشد. زیبایی سیرت برخلاف زیبایی صورت اکتسابی است. بی تردید برای نیل به این هدف نیازمند آگاهی هایی همچون مقاصد، موانع، راه ها، روش ها، و ابزارهای ایجاد تحول در خویش می باشیم. زیست اخلاقی از منظر نهج البلاغه در اخلاق اسلامی، در رویکرد عمومی دین؛ همان شکوفایی فطرت است؛ و پرشناخت خاصی از انسان استوار است. در زیست اخلاقی، تربیت دینی منحصر به مسجد یا مدرسه علمیه نیست، بلکه در هرجایی ممکن است تلاشی هدفدار به منظور آموزش معارف دینی صورت گیرد. خواه مسجد باشد یا خیابان و منزل یا هرجای دیگری. مبنای تربیت براساس تمکن و توانایی انسان و حرکتی تدریجی و متناسب است که به سوی کمالات الهی شکل می گیرد. یعنی شناخت آموزه های دین تبدیل این شناخت ها به باورهای قلبی و، به کار بستن این باورها در رفتارهای فردی و اجتماعی.

واژگان کلیدی: زیست اخلاقی، تربیت دینی، اخلاق اسلامی، کمالات الهی، شکوفایی فطرت

مقدمه

زیست اخلاقی؛ یکی از نیازهای جدی انسان امروزی است که هر جامعه به تناسب فرهنگ حاکم بر آن تلاش کرده تا الگوهای مناسبی برای آن ارائه دهد در جوامع اسلامی دو منبع قرآن و عترت؛ که سرچشمه منابع اند بهتر از هر دستورالعمل دیگری می‌تواند الگوی مناسب این نوع زیستن را ارائه کند. بدون شک التزام به شاخصه‌های مطلوب نظام اخلاقی در سه بعد فردی و اجتماعی و سیاسی در ابتدای امر سعادت فرد، و در افق بلندتر سعادت جامعه و بشریت را تضمین می‌نماید. پس شناخت خود، سودمندترین، و راهبردی‌ترین و پیش فرض هر فعالیت اخلاقی و انسانی محسوب می‌شود. تقدم حسابرسی درونی، و شخصی بر حسابرسی اغیار، و ناقدان بیرونی.

بر این پایه با بی خبری از خود نمی‌توان به زیست اخلاقی دست یافت و آن را ارتقاء داد. خودشناسی فرایندی بس سخت، پرخطر و نفس گیر است و طی طریق در آن، نیازمند استادی خودشناس است که نگاهی متعالی، از افق والا به سرشت معماگونه‌ی انسان داشته باشد و به لایه‌هایی پنهان و پیدای وجود آدمی آشنا و مانوس باشد تا چشم انسان را بر توانایی‌ها و فضیلت‌های نهفته وی بینا سازد و خود نیز در این طریق راه پیموده و در اوج قله انسانی و اخلاقی باشد. تاریخ چنین الگوی را جز در شخص حضرت علی (ع) نمی‌تواند پیدا کند. امیرالمومنین که مصداق اتم خودشناسی است در این باره می‌گوید: هر کس خود را شناخت خدا را شناخت و اگر پرده‌ها فرو افتد بر یقین من چیزی افزوده نمی‌شود. آموزه‌های علوی، به طور عام، و نهج البلاغه، به طور خاص، رابطه‌ی متقابل خودشناسی و زیست اخلاقی و نقش راهبردی و کلیدی خودشناسی را در تحقق زیست اخلاقی در مجموع روابط انسانی به خوبی منطقی جلوه می‌دهد.

بخش اول: روش پژوهش

در این مقاله پژوهش حاضر با هدف شناخت جایگاه زیست اخلاقی از منظر اسلام و نقش اخلاقیات می‌تواند در توسعه همه جانبه پایدار باشد. چهارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر دیدگاه‌ها و باورهایست که تعیین کننده تعامل انسان با طبیعت در راستای زیست اخلاقی است. و خوانش اخلاقی از خود- و حسابگری را ارائه می‌نماید و در صدد بیان منطقی همبستگی متقابل خودشناسی با زیست اخلاقی است و تحقق آن را در مقام ایجاد تقویت، تصحیح، ارتقاء و استمرار منوط به خود سنجش گری درونی می‌داند. در این زیست سالم و مفید، مستلزم اتخاذ و انتخاب

زیست اخلاقی در زندگی روزمره، و ارتباطات انسانی در تمامی وجوه می باشد؛ امام (ع) با تشبیه حیا به یک لباس پوشاننده می فرماید: «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ لَمْ يَرِ النَّاسُ عُيْبَهُ» کسی که لباس حیا و عفت، او را بپوشاند، مردم عیب او را نخواهند دید. در این پژوهش بیانگر این است که زیست اخلاقی یک مسئله زمینه ای و مقید به شرایط است. تصمیم گیری در مورد تکلیف اخلاقی به موقعیت خاص و شرایط محیط و فرد، ویژگی خاصی به زیست اخلاقی اعطا می کند و درست به همین خاطر است که باید تکلیف اخلاقی را در اخلاق، کاربردی و عملیاتی نمود تا بتواند راهگشای فرد دغدغه مند به اخلاق باشد. زیست اخلاقی پدیده ی چند عاملی است و تبیین های متعدد روان شناختی و جامعه شناختی را می طلبد.

بخش دوم: یافته های پژوهش

معیار برتری انسان ها از یک دیگر نه به مال و ثروت و مقام که به برخورداری آنها از ارزش های اخلاقی است. «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات ۱۳)، انسان هر چه قدر هم که برای رعایت ارزش های اخلاقی برخورد سخت گیری کند، و هر چه قدر هم که از اطرافیان خود الگوهای نیک برگزیند. بدون تلاش برای رها سازی خود از آسیب های اخلاقی، نمی تواند مسیر رشد و کمال معنوی را به نحو مطلوب و سالم پیماید. آسیب هایی که با عنوان موانع پیشرفت در سه حوزه معرفت، گفتار، و رفتار ظاهر می شوند. در کنار مواظبت بر ارزش ها و هنجارهای اخلاقی، هم نشینی و آموختن مستقیم از برخی اقشار مردم، موجب رشد و پیشرفت معنوی انسان می گردد.

امام علی (ع) اخلاقیات نیک و شایسته را تنها چیزی می دانند که باید بر آن ایستاد و تعصب ورزید، و از آن عدول نکرد. حضرت علی (ع) در خطبه ۹۰ نهج البلاغه از حسابرسی و خود ارزیابی به عنوان شیوه ی اثر بخش و، حیاتی در ایجاد و تداوم زیست اخلاقی نام می برند. در این فراخوان و دعوت راهبردی به خود ارزیابی علاوه بر این که تاکید بر دیدن خود و ارزیابی خود از منظر دیگران و به عبارتی در آینه دیگران دیدن خود دارد؛ ولی اصل بنیانی پند و نقد درونی هر فرد از خود را شرط کمال و توفیق در این کارکرد معرفی می کند. اصل اندرز گو و پند دهنده ی درونی، ما را به تعامل هوشمندانه و مسئولیت پذیرانه در انواع ارتباطات نزدیک می کند. و از تعامل هیجانی و، لگام گسیخته مبرا می نماید.

به باور امام (ع) محاسبه ی نفس و یا به تعبیر دیگر، خود ارزیابی لازمه ی مواجهه ی

هوشمندانه، حکیمانه و اخلاق مدارانه در ارتباطات بشری قلمداد می گردد.

نتیجه گیری

انسان موجودی دو بعدی است که از یک سو، رو به عالم خلق و مادیات دارد و می تواند از حیوان پست تر شود و، از سوی دیگر، رو به عالم مجردات دارد و می تواند به مرتبه اعلای انسانیت برسد. انسان برای اینکه بتواند به کمال انسانیت صعود کند باید علل و عواملی که زمینه ساز انحرافات اخلاقی است را بشناسد، و با جهاد نفس و مبارزه با آن عامل به مقام کمال انسانیت برسد. علل و عواملی که زمینه ساز انحرافات اخلاقی انسان است و مانع رسیدن او به مقام خلیفه الهی است گاه مربوط به بعد ادراکی و، بینشی اوست. و گاه با بعد تحریکی و گرایشی وی مرتبط است. در نتیجه منشاء انحرافات اخلاقی از نظر نهج البلاغه و بیانات رهبری، عدم توازن عقل و عواطف است. مهم ترین عوامل زمینه ساز انحرافات اخلاقی فرد که مربوط به تعدد ادراکی، و بینش و عقل نظری او است. عبارتند از جهل، تکیه بر حدس و گمان و استبداد رای که باعث می شود پرده ای بر قوای ادراکی و بینشی فرد بنشیند، و ترازوی سنجش عقل توازن خود را از دست بدهد و به جای ورود به وادی تعقل و یقین به خیال و گمان و خود محوری در اندیشه گرفتار شود و در نهایت از درک حقایق حق محروم شود. دسته دیگری از عوامل که مربوط به بعد تحریکی و گرایشی و عقل عملی انسان است. عبارتند از دلبستگی های مادی، عشق بیجا و مفرط که باعث می شود بر دل انسان زنگار نشیند و چشم دلش، نابینا شود و در نهایت عقل عملی او که محافظ روح انسان در برابر طغیان شهوات و طوفان غضب است، ضعیف شود.

فطرت پاک و قلب سلیم را می توان به دستگاه گوارش سالم تشبیه کرد که در نخستین مواجهه با خوراک مسموم به طور طبیعی آن را پس می زند. کودک انسان نیز برای نخستین بار اگر دروغ گوید با واکنش فطرت سالم خویش روبه رو می شود. سرخ شدن چهره، لکنت زبان و عرق کردن این پلیدی خلاف فطرت را نشان می دهد.

این نظام ارزش گذاری با دل پاک قابل دسترسی است. با اهتمام به پیراستن درون می توان خیر و شر و زشت و زیبا را کشف کرد.

براساس آنچه که بیان کردیم پایه زیست اخلاقی، برمدیریت خود در همه ی شوءون زندگی اعم از رفتاری، گفتاری، کنشی و واکنشی مبتنی است و همبستگی منطقی و معرفتی با خودشناسی دارد. از

طرفی شرط مهم کامیابی در مدیریت خود، شناخت لحظه ای و مستمر و مواجهه ی هوشمندانه و هوشیارانه با خودشناسی است. و این خود عامل اساسی گزینش و انتخاب درست و دامنه ی اختیار رابطه ی معنا داری وجود دارد؛ به بیان دیگر هرچه دامنه اختیار وسیع تر، مسئولیت پذیری وی نیز به همان میزان وسیع و گسترده تر خواهد بود و دامنه اختیار انسان به تبع آن تابع متغیر های متعددی می باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- نهج البلاغه ، خطبه (۹۰) ، خطبه (۱۹۱)
- ۲- داوودی، محمد (۱۳۸۷)، جلد دوم تربیت دینی (سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ پنجم.
- ۳- نوری، محمد، فلاح، محمد رضا، پگاه حوزه ۱۳۸۷ شماره ۲۳۹
- ۴- رسولی، محمود، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه زنجان